

● **با اینکه الان فضاها و مکان‌های تفریحی در مشهد گسترش یافته و فضا‌های تفریح مردم نسبت به گذشته در مشهد بیشتر شده، اما می‌بینیم باز هم سینماهای مشهد، از نظر فروش و تعداد مخاطب، در کشور، جایگاه نخست را بعد از تهران دارد.**

از قدیم همین جایگاه را داشت. اول مشهد بود، بعدش شیراز و اصفهان و ... بودند. شهرستان‌های دیگر همیشه در رقابت با مشهد بودند.

● **آن زمان که شما در مشهد سینما می‌رفتید یک خیابان ارگ بود و چندین سینما که الان دیگر سینماهایش متروکه شده و یا از بین رفته‌اند.**

شما خاطر نان نیست (می‌خندد) از میدان سوم اسفند (ده ده فعلی)، نزدیک بیمارستان امام رضا (ع) سینماها شروع می‌شد. ابتدا سینما مولن‌روژ بود. بعد می‌آمدید بالاتر، دست راست سینما سعدی بود. بالاتر از آن سر خیابان جم، سینما متروپل بود و کنارش هم سینما کریستال قرار داشت. باز کمی بالاتر از آن، روبه‌روی باغ ملی (ارگ) تابلو سینما آسیا را می‌دیدید. بالاتر از باغ ملی، سینما هما بود. بعد سینما ایران بود. آن طرف سینما فردوسی و کنارش سینما سانترال بود. سه سینما شهر فرنگ، آریا و دیاموند هم خارج از این محدوده بودند. اتفاقاً این سه سینمای خارج از محدوده را نیز صاحبان همین سینماها ساخته بودند. دیاموند را صاحبان متروپل و کریستال ساخته بودند. شهر فرنگ را مالکان سینما فردوسی و ایران و هما ساخته بودند. سازندگان سینما سانترال و آسیا نیز سینما آریا را خارج از محدوده راه انداخته بودند. آریا الان به نام سینما قدس فعالیت دارد، شهر فرنگ، سینما آفریقای فعلی است و دیاموند هم همین هویزه است. یادش به‌خیر. از همان میدان سوم اسفند تا چهارراهی که پیش می‌گفتند چهار طبقه سینماها ادامه داشت. البته من چهار طبقه را یادم نمی‌آید چون زمانی که ما به مشهد آمدیم آن ساختمان خراب شده بود. ولی ظاهراً اولین ساختمان چهار طبقه‌ای بود که در مشهد بنا کرده بودند و به همین خاطر هم

حلقه‌سینمایی مشهد

درباره چهار هنرمند که به‌سینما رونق بخشیدند



قاسم فتحی

در روزهایی که قهرمان داشتن و جذاب بودن و همه نگاه‌ها را به خود واداشتن یک جرم بزرگ در سینما تلقی می‌شد بیژن امکانیان در کنار فرامرز قریبیان که نخسین قهرمان بعد از انقلاب بود در اوایل دهه ۶۰ فیلم‌هایی بازی کرد که اصطلا‌حاً به جوان‌اول محبوب آن‌دوره تبدیل شد. او قبل از اینکه در «سنا‌تور» طوفان به‌پا کند در سینمای آزاد فعالیت زیادی داشت و برای کارگردانان فیلم‌های هشت میلی‌متری بازی می‌کرد. در مطبوعات فعال بود و حتی گفتار متن مستندی از خسرو هرنیاش را گفته بود. اما او در سه‌فیلم اول مهدی صباغ‌زاده در آن برهوت سینمایی که کسی حق نداشت از بازیگر ستاره بسازد و کلوزآپ بگیرد و کله کچل کند و جذاب و فربه به‌نظر برسد همراه با حلقه مشهدی‌های سینما یعنی فریدون جیرانی، غلام‌رضا موسوی و مهدی صباغ‌زاده فیلم‌های شاخصی را تولید کردند. او سال‌ها پیش در گفت‌وگویی اشاره کرده بود با اینکه بومی دو شهر خراسان و کرمان نبود ولی به نمایندگی از این دو شهر جایزه اول بازیگری را گرفت و بعد به مشهد رفت و فعالیت جدی‌اش را در مرکز آموزش تئاتر مشهد پی گرفت: «مرکز آموزش حرفه‌ای تئاتر مشهد افراد دیپلم به بالا را قبول می‌کرد، مرا که دو سال مانده بود تا دیپلم بگیرم پذیرفت چون جایزه گرفته بودم. بدین ترتیب وارد جمع حرفه‌ای‌ترها شدم که آن‌موقع داریوش و انوشیروان ارجمند، ایرج صغیری، رضا صابری، مهدی صباغی و بسیاری دیگری بودند.» او بعد از بازی در «سنا‌تور»، «گل‌های داودی»، «بیرستان»، «صعود»، «شب حادثه»، «در آرزوی ازدواج»، «آواز تهران»، «راز گل شب‌بو»، «دیوانه‌وار» و «سال‌های بی‌قراری» در اواسط دهه ۷۰ به «خفاش» و درنهایت «آخرین نبرد» را در سال ۷۶ بازی کرد و برای مدت‌ها به‌صورت خودخواسته منزوی شد. او حتی به سمت تهیه‌کنندگی هم رفت ولی معلوم نیست چرا با اسم مستعار این کار را کرد. «ایران میلاد» نام مستعار تهیه‌کننده فیلم «سفر جادویی» بود که البته همه می‌دانستند امکانیان تهیه‌اش کرده ولی دلش نمی‌خواست اسم واقعی‌اش را در تیتراژ بنویسد. امکانیان در دهه ۸۰ در فیلم‌های بهتر و سنجیده‌تری بازی کرد. «قطاع» و تله‌فیلم «ابروی از دست‌رفته آقای صادقی» توانست او را دوباره به روزهای خویش برگرداند. با این حال او هم مثل سعید راد و باقی بزرگان سینمای ایران، این‌سال‌ها در دام سریال‌های آیکی شبکه خانگی افتاده و ظاهراً راه فراری هم وجود ندارد.

فریدون جیرانی شاخص‌ترین شخصیت حلقه سینماگران مشهدی است. او در همان سال‌های دهه ۵۰ در مشهد فیلمی ساخته بود به‌نام «بیژن و خیال کفش» که رضا صابری و بیژن امکانیان در آن بازی می‌کردند. فیلم را برده بود تا در پروژکتور قدیمی آقای رئیس‌اداره تئاتر مشهد یعنی داریوش ارجمند بازبینی کنند. آنجا یک‌نفر با نوشتن فیلم‌نامه «آفتاب‌نشین‌ها» و دستکاری مهدی صباغ‌زاده شروع خوبی داشت. جیرانی را می‌توان یکی از پرتحرک‌ترین فیلم‌سازان و سینماگران سینمای ایران دانست. توی کارنامه‌اش هم‌جور فیلمی دیده می‌شود. خیلی راحت و آسوده می‌تواند ژانر تغییر دهد و از این تغییرات هم نترسد. مثلاً زمانی که سومین فیلم بلندش یعنی «آب و آتش» در نمایش عمومی شکست خورد مشغول ساخت فیلم چهارمش «شام آخر» بود که ابتدا «یک داستان زنانه» نام داشت. البته که «شام آخر» موفقیت‌های «قرمز» را به همراه نداشت اما در شیوه روایت و قصه‌ای که او به نمایش گذاشت مثل همه آثار او جنجال آفرید و حرف‌وحديث‌های زیادی به وجود آورد. به کلود شابرول، فیلم‌ساز بزرگ موج نوی سینمای فرانسوی، علاقه زیادی دارد و آن سردی و رخوت و نموری را می‌توان در فیلم‌های اخیرش به‌خصوص در «خفه‌گی» دید. او را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین فیلم‌سازان بعد از انقلاب نامید که در کنار شناخت قواعد ژانری نبض جامعه‌اش را خیلی خوب می‌شناسد. دست روی نقاط حساسی می‌گذارد که خوشایند خیلی‌ها نیست و قرائت رسمی هم میانه‌ای با آن ندارد. او در همان سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ بعد از جدایی غلام‌رضا موسوی دیگر مشهدی این حلقه از هفته‌نامه قدیمی و معتبر «سینما» سردبیر آن شد

که بعد از دوسه‌دوره و تا همین چندسال پیش دیگر منتشر نشد. جیرانی البته یک پژوهشگر شاخص و دقیق سینما هم هست. او علاوه‌بر نگارش مقاله‌های زیادی در مطبوعات سینمایی مثل مجله «دنیای تصویر» و «فیلم» و سردبیری مجله‌های تصویری فضای وب، سه‌گانه «ستاره‌ها» را ساخت و به آن تاریخی پرداخت که همیشه درباره‌اش می‌نوشت. او همچنان یک ژورنالیست حرفه‌ای است، ژورنالیستی که از ششم کاری‌اش در سینما بالاترین بهره را می‌برد.

مهدی صباغ‌زاده می‌گوید اولین آشنایی‌اش با سینما زمانی بود که پرده سفید توی دفتر داریوش ارجمند، رئیس اداره تئاتر آن موقع را نصب کرد تا فیلم «بیژن و کفش‌های خیالی» جیرانی در آن نمایش داده شود. او با همین کار وارد جمع سینمایی‌های مشهد شد و ارجمند هم دوربین ۸میلی‌متری خانوادگی‌اش را در اختیارش گذاشت. سال‌های اوایل دهه ۵۰ اوج کار بچه‌های سینمای آزاد مشهد بود. انقلاب به شد عبدا... انوار از مدیران سینمایی ابتدای انقلاب به آن‌ها گفته بود سینمای آزاد را تعطیل کنید و به تلویزیون‌های شهر تان کمک کنید. اما آن‌ها با خودشان می‌گفتند ما برای جشن‌های ۲۵۰۰ساله فیلمی ساخته‌ایم و حالا هم زیر قبای دولت نمی‌رویم و از بودجه آن‌ها استفاده نمی‌کنیم. سال ۶۳ که «آفتاب‌نشین‌ها» با فیلم‌نامه جیرانی ساخته شد جنجال‌های زیادی به‌پا شد. روزنامه‌های «اطلاعات» و «کیهان» و حتی مجلس آن‌قدر هیاهو به راه انداختند که او ناچار دست به دامن مهدی کلهر شد و توانست از زیر آن همه‌ها رها شود. بعد از ساخت «سنا‌تور» باز هم در سینما فعالیت کرد و فیلم‌های زیادی ساخت اما در اوایل دهه ۷۰ به تلویزیون رفت و سریال پرطرفدار «دزدان مادر بزرگ» را ساخت. «مارال» را شاید بتواند در کارنامه صباغ‌زاده بین‌المللی‌ترین فیلم او دانست. فیلمی که در جشنواره نیویورک اکران شد و از امیت باچان تا کیلنت ایستود از آن صحبت کردند. خودش می‌گوید: برای تماشاگران خارجی جذاب بوده که یک فیلم قصه‌گوی خوب از سینمای ایران می‌بینند. چون آن‌ها در این سال‌ها مدام فیلم چرک و شلخته و تلخ دیده بودند. آخرین کارش «کلوب همسران» بود و تهیه فیلم اول پسرش کاوه صباغ‌زاده به نام «یتالیا ایتالیا» که توانست توجه منتقدان را به خود جلب کند.

غلام‌رضا موسوی نام آشنایی برای سینماگران است. این تهیه‌کننده ۶۴ساله در کارنامه کاری‌اش ۱۹فیلم دارد که بخش قابل‌توجهی را فریدون جیرانی نوشته یا ساخته است. او ک‌تک‌تری اقتصاد دارد و یک‌بار در یادداشتی نوشته بود: «جزو افتخارات من است که تعدادی از فیلم‌هایم از جمله «قرمز»، «پارکوی»، «صورتی»، «من مادر هستم» و... را فریدون جیرانی به‌عنوان کارگردان لطف کرده و با توجه به اعتقادی که به تماشاچی دارد، ساخته است.» او تهیه‌کنندگی را در سال ۶۰ و با فیلم «آفتاب‌نشین‌ها» آغاز کرده است؛ فیلمی که ابتدا پولش را حلقه مشهدی پرداخت کردند، ولی بعد امتیاز فیلم را به مهدی احمدی فروختند و او شد مالک فیلم. موسوی می‌گوید این جیرانی بود که وپروس سینما را در مشهد منتشر کرد و او که هنرجوی تئاتر در مشهد بود، از جیرانی چیزهای زیادی یاد گرفت. موسوی در کارنامه‌اش فیلم‌های مهم و جریان‌سازی را تهیه کرده و تقریباً در آن میان فیلم تجاری و کمدی‌های لوس و بی‌مایه وجود ندارد. «جنگ نفت‌کش‌ها»، «رخساره»، «مصائب دوشیزه»، «گل‌بخ» و «حوالی اتوبان» فقط بخشی از بیش از ۳۰ اثری است که او تهیه کرده است. در آخرین حضور سینمایی‌اش هم تهیه‌کنندگی فیلم «قصیده گاو سفید» را بر عهده گرفت که در جشنواره سال پیش فیلم فجر جایزه گرفت. اما در این چند سال همه او را در مقام یکی از مدیران ارشد صنف تهیه‌گندگان سینمای ایران می‌شناسیم و اظهار نظرات تندوتیزش؛ کسی که صریح گفت‌وگو می‌کند و در قامت یک کنشگر فرهنگی و سیاسی درباره برجام و فوت آیت‌ا... هاشمی‌رفسنجانی هم یادداشت می‌نویسد. از طرفی، حواشی ساخت فیلم «من مادر هستم» آن‌قدر زیاد بود که کار به احضار و دادگاه کشیده شد. او البته یک‌بار در سال ۶۶ برای سیروس الوند فیلم‌نامه‌ای نوشت به‌اسم «محموله» که در آن فاطمه معتمدآریا اولین کار سینمایی‌اش را تجربه می‌کرد.

داستان‌های ناگفته‌عاشورا در «ناگفته‌ها»



مجموعه مستند داستانی «ناگفته‌ها» با موضوع قصه‌های ناگفته عاشورا به تهیه‌کنندگی هادی خدادی و نویسندگی و کارگردانی مهدی زنگنه چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه هر هفته بعد از گفتگوی ویژه خبری از شبکه دو سیما پخش می‌شود. این مجموعه سیزده قسمتی با نگاهی به زندگی اصحاب امام حسین (ع) است. در هر قسمت از این برنامه چندین کارشناس تاریخی و مذهبی یکی از داستان‌های ناگفته عاشورا را روایت می‌کنند.

نگاهی به تاریخچه‌روضة‌وروضه‌خوانی

رضا سلیمان نوری، پژوهشگر فرهنگی، روزنامه‌نگار و محقق حوزه ایران‌شناسی در گفت‌وگو با ایکنا از تاریخچه روضه و روضه‌خوانی صحبت کرد. به گفته او معنای روضه در اصل، باغ و بوستان است، اما سبب اشتهار مرثیه‌خوانی به «روضه» آن است که مرثیه‌خوانان در گذشته، حوادث کربلا را از روی کتابی به نام «روضه‌الشهداء» تألیف ملاحسین کاشفی می‌خواندند. فرد مرثیه‌خوان در گذشته مطالب این کتاب را در مجلس عزاداری از روی آن بر سر منبر می‌خواند و به تدریج خوانندگان این کتاب به «روضه‌خوان» معروف شدند. این محقق حوزه ایران‌شناسی یادآور شد: هرچند تاریخچه مرثیه‌خوانی برای اباعبدالله(الحسین(ع) به همان زمان شهادت ایشان و نوحه‌های حضرت زینب(س) به هنگام دفن شهدا و البته زیارت قبور شهدا از سوی جابرین عبدا... انصاری بازمی‌گردد، اما استفاده از عنوان روضه میحی است که به دوران حکومت صفویان یعنی قرن دهم هجری بازمی‌گردد.به گفته سلیمان‌نوری در این دوران، کتاب «روضه‌الشهداء» ملاحسین کاشفی مفسر قرآن و واعظ تأثیرگذار در عصر تیموریان به عنوان منبع اجرای تعزیه و بیان نحوه به شهادت رسیدن سالار شهیدان و اصحاب باوفایش از سوی اهل منبر به کار گرفته شد که بعدها این سنت به عنوان روضه‌خوانی معروف شد. این پژوهشگر فرهنگی خاطر نشان کرد: پس از همه‌گیر شدن روضه‌خوانی در اواخر صفویه و دوران قاجار کم‌کم کتب دیگری که در سال‌های پیش به عربی نوشته شده بود در حوزه‌های علمیه آن زمان برای بخشی از طلاب که به‌عنوان مبلغ پرورش داده می‌شدند، تدریس شد تا ایشان با نگاهی از زوایای مختلف واقعه عاشورا آن را به فارسی برای مردم کوچه و بازار تشریح کنند.

بازگشایی ۱۴قرائت‌خانهو ۱۳کتابخانه‌در مشهد

معاون فرهنگی و هنری سازمان اجتماعی و فرهنگی شهرداری مشهد، از بازگشایی ۱۴قرائت‌خانه و ۱۳ کتابخانه فرهنگ‌سراهای شهرداری مشهد خبر داد،، صدرا یوسفی با بیان این خبر گفت: با توجه به شیوع ویروس کرونا و برای پیشگیری از ابتلای شهروندان به این بیماری، قرائت‌خانه‌ها و کتابخانه‌های شهرداری مشهد تعطیل شده بود. اکنون و با تصمیم ستاد کروناوی استان و با توجه به کاهش شیوع ویروس کرونا، ۱۴ قرائت‌خانه مربوط به شهرداری و همچنین ۱۳ کتابخانه فرهنگ‌سراهای نقاط مختلف شهر از امروز برای استفاده عموم مجدد بازگشایی شده است. به گفته او در بازگشایی قرائت‌خانه‌ها و کتابخانه‌ها، شیوه‌نامه‌های بهداشتی به صورت دقیق اعمال و ضد عفونی ایسن‌ها امکان به صورت مستمر انجام خواهد شد.

برگزاری جشنواره «کتاب‌خوان‌ورسانه»

نخستین جشنواره «کتاب‌خوان و رسانه» با هدف اطلاع‌رسانی مناسب از فعالیت کتابخانه‌های عمومی و تقدیر از فعالان رسانه‌ای در حوزه کتاب و کتابخانه‌ها، در ۶بخش اصلی، ۲ بخش فرعی و ۱ بخش ویژه برگزار می‌شود. این رویداد به دبیری مهدی توکلیان، مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موضوعاتی چون «کتابخانه»، «کتابدار»، «کتاب‌خوان» و «اهدای کتاب»، «کتابخانه و خانواده»، مسئولیت اجتماعی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور»، «ترویج فرهنگ مطالعه» و «برگزاری محافل تخصصی در طول سال با رویکرد مورد نیاز ملی و استانی» را دربرمی‌گیرد. آثاری که پیش از انتشار فراخوان (۱۸ شهریور) در رسانه‌ها منتشر شده‌اند، از فرایند داوری حذف خواهند شد. مراسم اختتامیه و معرفی برگزیدگان نهایی جشنواره نیز هم‌زمان با سالروز تأسیس نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، در ۱۷ اسفند ۱۳۹۹ برگزار خواهد شد.

اهدای گنجینه‌ای از مستندات فرهنگ مردم به

کانون‌پرورش فکری کودکان و نوجوانان استان

گنجینه‌ای از مستندات فرهنگی را جواد رسولی، پژوهشگر فرهنگ‌عامه به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان خراسان‌رضوی اهدا کرد. ابراهیم زره‌ساز، مدیرکل کانون خراسان‌رضوی، با اعلام این خبر گفت: چندی پیش و در سمینار تخصصی ادبیات کودک و نوجوان و فرهنگ‌عامه که با حضور استادان دانشگاه در ۲۴ تیر برگزار شد، جواد رسولی، مدرس دانشگاه و پژوهشگر فولکلور کودکان، پیشنهاد کردآوری گنجینه‌ای از فولکلور کودک و نوجوان را در کانون خراسان‌رضوی مطرح کرد. نظر همراه و مساعد کانون خراسان‌رضوی در پاسخ به این پیشنهاد و تخصیص بخش ویژه‌ای به منظور چانمایی و ارائه آن به پژوهشگران و مخاطبان خاص، تکمیل‌کننده این رویداد ارز‌شمند بود. مدیرکل کانون استان خاطرنشان کرد: در چند روز گذشته، مقادیر فراوان و ارزشمندی از مستندات فرهنگی از سوی ایشان به دست ما رسید و در این مستندات، بالغ بر فیش تحقیق، لوح‌های فشرده، عکس و فایل‌های ویدئویی و نشریات فرهنگ مردم وجود دارد.

سینمای نحیف و مهجور مستند اوایل دهه نود، به واسطه ظهور استعداد جوانی به نام محمدحسین مهدویان، بیشتر از همیشه مورد توجه مردم و مسئولان قرار گرفت. نخستین اثر او با نام «ایستاده در غبار» از این نظر اهمیت فراوانی دارد که ظرفیت‌های ناشکفته سینمای مستند را به فیلم‌سازان ایرانی یادآوری کرد. حاصل

شکل فیلم‌سازی ویژه مهدویان که ترکیبی از مستند و درام (داکیودرام) است، اثر به غایت خلاقانه‌ای بود که انسجام و هماهنگی فرمی تصاویر بازسازی شده با صدا‌های واقعی، از فرط دقت و ظرافت، مخاطب را حیرت‌زده می‌کرد. «ایستاده در غبار» از این نظر برای سینمای ایران مهم بود که به فیلم‌سازان جوان تر یادآوری کرد برای موفق بودن لازم نیست به الگوهای رایج تن بدهند؛ بلکه هر کارگردان جوانی هم می‌تواند با به کارگیری قوه خلاقیتش، به شکل فیلم‌سازی منحصر به فرد خودش دست یابد.



شاید عده‌ای از هواداران فرهادی معتقد باشند که «جدایی نادر از سیمین» بهترین اثر این کارگردان نیست اما بدون تردید این فیلم مهم‌ترین ساخته اصغر فرهادی و تأثیرگذارترین فیلم او در عرصه بین‌المللی است.

«جدایی نادر از سیمین» با کسب اسکار بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان در هشتاد و چهارمین دوره این رویداد معتبر جهانی، افتخاری بی‌سابقه برای کشورمان در بالاترین سطح سینمای جهان به ارمغان آورد و موجی از شادی غرورآمیز ملی در سطح عمومی و انگیزه‌های فردی برای رسیدن به موفقیت در سطح فیلم‌سازان جوان ایجاد کرد. سخنان صلح‌طلبانه و میهن‌پرستانه فرهادی در این مراسم نیز یکی از زیباترین قاب‌های تاریخ سینمای ایران است. اگرچه بعدها فیلم «فروشنده» نیز به افتخارات بین‌المللی زیادی دست یافت؛ اما نام «جدایی» به‌خاطر نخستین اسکار تاریخ کشورمان تا همیشه در خاطره سینما ثبت خواهد شد.

یکی از شاخص‌ترین فیلم‌های اول کارگردان‌های جوان ایرانی در سال‌های اخیر به نام سعید روستایی، فیلم‌ساز خوش‌آئینه کشورمان، ثبت شده که با فیلم خوش‌ساخت «ابد و یک روز» توانست به اثرگذاری چشمگیری دست یابد. این فیلم از سه‌نظر در سینمای یک‌دهه اخیر ایران مهم بوده و به محبوبیت زاید‌الوصفی بین مردم دست یافته است. دیالوگ‌های این فیلم، با پرهیز از به کار بردن آرایه‌های ادبی و شاعرانه، تأثیرگذار و دقیق به رشته تحریر درآمده بودند، بازی بازیگران کاملاً شاخص بود و جایگاه نویدمحمدزاده را به‌عنوان مهم‌ترین استعداد تازه سینمای ایران تثبیت کرد. مهم‌تر از همه اما، این فیلم با پرداختی غیرشعاری و چندوجهی به مقوله اعتیاد، توانست هشدار اجتماعی و درخور تامل درباره این معضل بزرگ جامعه ایرانی باشد که انعکاس این موضوع در سینما را از شکل نمادین و کلیشه‌ای آن دور کند.

روزنامه شهرامید وزندگی

شنبه
۲۰ شهریور ۱۳۹۹
شماره ۳۸۸

۱۵



فرهنگ و هنر